

اهداف توسعه هزاره



برنامه اعلامیه توسعه هزاره به‌عنوان نقطه نظرات سران ۱۴۷ کشور و ۱۹۱ ملت جهان، در بزرگترین گردهمایی، در اجلاس هزاره که از ۶ تا ۸ سپتامبر سال ۲۰۰۰ در نیویورک تشکیل شد، به تصویب رسید. دلیل اصلی تشکیل و اقدام برای این گردهمایی، حس مسئولیت جمعی برای احقاق برابری، عدالت، مساوات و ایجاد عزت و شرف انسانی در سطح جهان، توسط اعمال قدرت برای تأمین نیازهای واقعی مردم سراسر دنیا بود.

بر این اساس، مهم‌ترین ارزش‌های بنیادین اولیه، سرلوحه این برنامه قرار گرفت. از جمله احقاق حق اساسی هر زن و مرد برای انتخاب زندگی دلخواه و پرورش کودکان با شرف و منزلت انسانی، رها از گرسنگی، بیم از سرکوبی، ایمن از خشونت و بی‌عدالتی، توزیع عادلانه‌ی هزینه‌ها و فشارهای بین‌المللی مطابق با اصول اساسی عدالت اجتماعی بین همه‌ی کشورهای جهان، حفظ تمام گونه‌های اعتقادی، فرهنگی و زبانی و احترام به این تفاوت‌ها و گرامیداشت آن‌ها به عنوان دارایی‌های ارزشمند بشریت، مدیریت کلیه منابع طبیعی و گونه‌های زنده بر اساس اصول و قواعد توسعه‌ی پایدار، دوراندیشی و حفظ منابع طبیعی و توجه به ارثیه‌ی ما برای آیندگان، توجه به توسعه اجتماعی و اقتصادی کلیه نقاط جهان و رفع بی‌عدالتی در این زمینه، برخورد با تهدیدها نسبت به صلح و امنیت جهانی و بین‌المللی و در نهایت تقسیم حس مسئولیت‌پذیری بین ملت‌های جهان و اعمال آن به‌صورت چندجانبه. این برنامه‌ها در یک نگاه سطحی ممکن است مجموعه آرزوهایی به‌نظر برسند که در برخی جهات حتی دست‌نیافتنی و غیرمنطقی هستند، اما مطالعه‌ی عمیق‌تر نشان می‌دهد که آن‌ها شامل دیدگاه‌های چندبعدی و گسترده، بر پایه توسعه جهانی هستند که به زیرساخت‌ها در دهه‌های گذشته - یعنی به آنچه نتایج پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های قبلی به‌دست نیاورده‌اند- توجه می‌کنند. به

ملل، ۲۰۰۸). توجه اساسی به مسئله فقر در برنامه توسعه هزاره توجه به معنای عدم تساوی و ارتباط آن با معنای فقر است در واقع جایگاه نسبی افراد و خانوارها بسیار حائز اهمیت است زیرا سطح کلی نابرابری یک شاخص مهم از سطح رفاه میباشد، بنابراین کاهش فقر در کشورهایی که از عدم تساوی کمتری برخوردارند سریعتر خواهد بود. هرچه سطح نابرابری کمتر باشد سهم سودهای ناشی از رشد که به اقشار کم درآمد تخصیص داده می شود بیشتر خواهد بود، بنابراین اولین هدف توسعه هزاره گره های عمیقی با برنامه های فرهنگی و حقوقی دارد و به همه کشورها برای اجرای سیاست هایی که به رشد اقتصادی و کاهش فقر موثر هستند فشار می آورند همچنین تلاش می کند در سیستم های مالی تجاری شفافیت ایجاد نماید و این سیستم ها را عاری از تبعیض و مبتنی بر قانون سامان دهی نماید. (حقوق بشر روندها و نظرها)

۲. **دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی** (تضمین تکمیل دوره تحصیلات ابتدایی و دسترسی برابر به سطوح آموزشی برای همه کودکان جهان، فارغ از جنسیت آنها)

تفاوت اهمیت تحصیلات کودکان در نقاط مختلف جهان بسیار فاحش است. به عنوان مثال در حالی که به طور متوسط حدود ۸۰ درصد از کودکان کشورهای در حال توسعه در مدارس ابتدایی ثبت نام می کنند، در کشورهای آفریقایی این رقم نزدیک به ۵۷ درصد است، یعنی تنها یک نفر از هر سه کودک آفریقایی، تحت آموزش های ابتدایی قرار می گیرند. (این درحالی است که فاصله طبقاتی و به خصوص جنسیت کودک نقش اصلی را در عدم آموزش او بازی می کند، یعنی سه پنجم کودکانی که به مدرسه نمی روند، دختران هستند و زنان سهم معادل دو سوم بزرگسالان بی سواد را دارند (سازمان ملل، ۲۰۱۰). این هدف، با هدف کاهش فقر رابطه تنگاتنگ دارد؛ زیرا در سطوح محلی هزینه های آموزش، ثبت نام، لباس های فرم و... مانع ورود کودکان به سیستم آموزش می گردد. در سطوح ملی نیز بودجه های عمومی برای تامین آموزش های با کیفیت بسیار ناچیز می باشد و معمولاً سهم فقرا کمتر از آن چیزی است که باید بدست آورند. این درحالی است که فقیرترین کشورها نیاز دارند به منظور فرار از فقر، آموزش های اولیه را برای همه افراد تامین نمایند. با تلاش های برنامه ی توسعه ی هزاره، تقریباً در تمامی مناطق جهان نرخ خالص ثبت نام، گسترش چشم گیری یافته است، به صورتی که با توجه به رایزنی های فرهنگی، بسیاری از کشورها به هدف ثبت نام در مدارس ابتدایی نزدیک تر شده اند. (پروژه ی هزاره سوم سازمان ملل، ۲۰۱۱)

عنوان مثال، در مورد اولین هدف یعنی کاهش فقر، این برنامه به دنبال یک اعتقاد ساده درباره ی رشد اقتصادی و کاهش فقر نیست، بلکه به جای برخورد با فقر و حل آن به صورت خیریه ای و کمک های بین المللی به بررسی عدم برخورداری از امکانات اولیه جهت هدایت زندگی های مناسب و توانمندسازی مردم بومی منطقه می پردازد. فراهم کردن امکانات اولیه شامل برخورداری از آخرین استانداردهای زندگی، یعنی زندگی سالم و طولانی است که شامل برخورداری از شرایط تحصیلی، بهداشت، برابری جنسیتی، اقتصاد سالم، ثبات محیط زیست و... شده است. در واقع ضروری ترین امکانات توسط این برنامه ایجاد می گردد و پس از آن مردم توانمند یک منطقه توسط طرح های اجرایی به سمت توسعه بیشتر هدایت می گردند. در همین مرحله اهداف اقتصادی و فرهنگی شروع به کار می کنند و زمینه های بنیادین و اساسی را برای فراهم سازی امکانات مذکور ایجاد می نمایند. مهم ترین فاز این برنامه تعهداتی است که بصورت شبکه ای توسط سازمان ملل بین همه ی ملت ها و کشورها تشکیل شده و بصورت مسئولیت های همگانی درمی آید. بنابراین اصول و ارزش های زیربنایی برنامه ی توسعه ی هزاره همچون تعاون، استقلال، عدالت، استحکام ارزش ها و اصول اجتماعی تنها یکسری اهداف پرهیزگارانه نیستند، بلکه حقوقی قابل ادعا در سطح جهانی می باشند.

همین ارزش های بنیادین مسبب هشت هدف کاربردی است که کشورها را موظف می نماید برای مبارزه با فقر و گرسنگی، عدم وجود امکانات آموزشی و پرورشی، نابرابری جنسیتی، مرگ و میر کودکان و مادران، بیماری و نابودی محیط زیست، دست به دست هم دهند و بیشتر کار کنند. همچنین برای اهداف درجه دوم که شامل بخشش بدهی های کشورهای فقیر، امکان دسترسی به بازارها و فناوری های برابر، مدیریت سیاسی در مورد مشارکت همه افراد یک ملت، کمک به آزادسازی انرژی خلاق برای زمینه سازی اصلاحات سیاسی اجتماعی توسط خود مردم و... است، راهگشا باشند.

هشت هدف اصلی مذکور که تا سال ۲۰۱۵ برای تحقق آنها

برنامه ریزی شده است، عبارتند از:

۱. **ریشه کن کردن فقر شدید و گرسنگی** (به نصف رساندن نسبت افرادی که با روزی کمتر از یک دلار زندگی می کنند و کسانی که از گرسنگی رنج می برند)
- آیا خانوارها یا افراد، منابع و امکانات لازم و همچنین توانایی برای دستیابی به نیازهای خود را دارند؟ ساده ترین راه اندازه گیری در این خصوص بر اساس درآمد خانوارهاست و شاخص سازمان ملل، درآمد روزانه معادل یک دلار امریکاست. حتی با این تعریف ساده و غیرعلمی، بیش از ۱۲ میلیارد انسان، یعنی حدود یک پنجم مردم جهان در شرایط فقر شدید بسر می برند، (پروژه هزاره سوم سازمان

۳. تشویق مساوات بین جنسیت‌ها و توانمند ساختن زنان

سازمان ملل تساوی جنسیتی را به عنوان یکی از مهمترین اهداف بلندمدت خود مطرح نموده است. نه تنها موضوع برابری جنسیتی به تنهایی حائز اهمیت است، بلکه از آنجا که راهی برای بدست آوردن درآمدهای بالاتر، کمک به کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود وضعیت سلامت، افزایش بهره‌وری و کمک به توسعه است نیز، مورد توجه قرار دارد. از جمله فعالیت‌ها در این خصوص، تقویت توانایی اقتصادی زنان به عنوان کارآفرین و تولیدکننده است، همچنین فراهم کردن زمینه‌های افزایش مشارکت زنان در حکومت، رهبری و تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی و حمایت از حقوق بشر زنان به منظور عادلانه‌تر کردن مسئله توسعه است. (حقوق بشر روندها و نظرها)

۴. کاهش میزان مرگ و میر کودکان (کاهش مرگ و میر دو سوم کودکان زیر پنج سال)

۵. بهبود بهداشت مادران (کاهش سه چهارم مرگ میر زنان هنگام زایمان)

هر ساله بیش از ۱۰ میلیون کودک بر اثر بیماری‌های قابل کنترل می‌میرند. این درحالی است که بیش از یک میلیون زن، هر ساله در هنگام زایمان و مشکلات ناشی از بارداری فوت می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه تنها یک چهارم زنان باردار توسط متخصصین زنان و بهداشت معاینه می‌شوند. از سوی دیگر، خطر مرگ و میر دختران زیر ۱۵ سال در هنگام زایمان، پنج برابر زنانی است که دهه ۲۰ سالگی را پشت سر گذاشته‌اند. کشورهای توسعه‌نیافته به ندرت سه درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف خدمات بهداشتی می‌نمایند، علاوه بر این میلیون‌ها کودک هر ساله بر اثر سوء تغذیه از بین می‌روند و کودکان بی‌شماری هم قربانی جنگ و شکل‌های شدید بهره‌کشی می‌گردند. هدف در این مرحله دسترسی کودکان به حداقل آموزش و پرورش، تغذیه مناسب و مراقبت‌های بهداشتی است. (کمیته FAO در خصوص ایمنی غذا، ۲۰۰۸)، (ILO، ۲۰۱۰)، پروژه‌ی هزاره سوم سازمان ملل (۲۰۱۱).

۶. مبارزه با ویروس ایدز، بیماری مالاریا و سایر بیماری‌های خطرناک (متوقف کردن سیر صعودی این

بیماری‌ها و کمک فوری به کودکانی که در اثر این بیماری‌ها، بی‌والدین شده‌اند.)

این چند بیماری باعث کشته شدن تعداد زیادی از کودکان و والدین آن‌ها در سطح جهان گردیده است. بیماری ایدز به تنهایی باعث مرگ میلیون‌ها کودک به‌خصوص در آفریقا شده است. این نرخ بالای بیماری سبب کشته شدن جوانان موردنیاز ممالکی می‌گردد که آینده اقتصادی و اجتماعی جوامعشان وابسته به آن‌ها است. اگر به نرخ بالای ابتلا بیماری ایدز، سل و مالاریا را هم بیافزاییم، دورنما بسیار ناراحت‌کننده می‌گردد. هر ساله بیش از هشت میلیون نفر به بیماری سل مبتلا می‌گردند و این بیماری بیش از دو میلیون انسان را سالیانه می‌کشد. همچنین مالاریا هر ساله بر زندگی ۵۰۰ میلیون انسان تأثیر می‌گذارد که یک میلیون نفر از آن‌ها را به کام مرگ می‌کشد. (سازمان ملل، ۲۰۱۱)

۷. تضمین پایداری محیط زیست

این هدف دارای سه مقصد مشخص و متمایز است: تکمیل اصول توسعه پایدار در سیاست کشورها، ممانعت از هدر رفتن منابع طبیعی، توجه به کاهش میزان شیلا دنیا - فرسودگی خاک - تغییرات آب و هوا - وجود گازهای گلخانه‌ای، که همگی از مهم‌ترین عوامل موثر در توسعه‌ی کشورها هستند. در این زمینه تلاش می‌شود اصول توسعه پایدار در سیاست‌ها و برنامه‌های کشورهای جهان گنجانده شود و از تخریب منابع طبیعی جلوگیری گردد. همچنین کاهش نسبت افراد فاقد دسترسی به آب آشامیدنی سالم، به نصف رساندن و بهبود زندگی حداقل ۱۰۰ میلیون زاغه‌نشین از جمله زیرمجموعه‌های این هدف است.

۸. ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه

با توجه به این هدف تلاش شده است تا نظام تجاری و مالی بازتر و با تعهد بیشتر گردد و همچنین زمینه‌ای برای ایجاد حکومت‌های مطلوب در سطح ملی و بین‌المللی فراهم شود. از دیگر رویکردهای این هدف، رسیدگی به نیازهای ویژه‌ی کشورهای کمتر توسعه یافته و نیازهای خاص کشورهای محصور در خشکی و کشورهای کوچک جزیره‌ای در حال توسعه است. توجه خاص در این هدف، رسیدگی به کار جوانان، تامین دسترسی به داروهای

- حیاتی، ایجاد بهره‌گیری از فناوری‌های جدید به ویژه فناوری اطلاعات ارتباطی و همکاری با بخش خصوصی و توجه به حذف بدهی‌ها و دریافت وام برای کمک به ایجاد اشتغال در کشورهای فقیر است.
- بنابراین با توجه به تمام آنچه بیان گردید، در برنامه توسعه هزاره:
- استراتژی‌های کمک‌های دریافتی، با سیاست‌های علیه فقر در سطح ملی کشورهای فقیر همسو و همگام شده است.
 - آمار جدید و تحلیل صحیح از مجموعه منابع آماری که توسط متخصصین آمار، کارشناسان یونیسیف، سازمان بهداشت جهانی، بانک تجارت جهانی و بخش جمعیت سازمان ملل جمع‌آوری شده، ارائه گردیده است.
 - توجه ویژه به مداخلات بهداشتی کلیدی مانند ایمن‌سازی شامل واکسیناسیون سرخک، استفاده از پشه‌بندهای ضد مالاریا برای پیشگیری از ابتلا، استفاده از مکمل ویتامین آ شده است. همچنین توجه به دو علت اصلی مرگ و میر کودکان یعنی ذات‌الریه و اسهال و استفاده از ابزار واکسیناسیون.
 - آژانس‌های حمایتی به منظور دستیابی به کارایی بیشتر در مورد مسائل مربوط به بهداشت زنان ایجاد گردیده است که شامل برنامه‌های: بهبود وضعیت سلامت مادران، دخالت مستقیم برای کاهش خطر مرگ دختران جوان در هنگام زایمان و معاینه دائم زنان توسط متخصصین در زمان بارداری، می‌باشد.
 - فدراسیون‌های تعاونی در کشورهای در حال توسعه و آژانس‌های توسعه تعاونی در جهت ایجاد روابط متقابل بین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته برای همکاری در حوزه توسعه اقتصادی راه‌اندازی شده است.
- موارد مذکور تنها بخشی از برنامه پیچیده‌ی توسعه هزاره می‌باشد که با وجود نواقص اساسی می‌تواند راه‌گشای فراهم‌سازی زمینه‌های مساعد پیشرفت اکثر کشورها در چند حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی